

## تحلیل مؤلفه‌های اثرگذار بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها نمونه موردی: مناطق هشت‌گانه شهر اهواز

خدیجه بوزرجمهری<sup>۱\*</sup>، سیدرضا حسینی کهنوج<sup>۲</sup>، نبی اله حسینی شاه پریان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

<sup>۳</sup>دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۵

### چکیده

مشارکت از مصادیق کنش اجتماعی است و تمامی احکام و عوارض آن را نیز داراست. کنش اجتماعی عبارت از همه حالات فکری، احساسی و رفتاری که جهت‌گیری آن‌ها بر اساس الگوی جمعی ساخت‌یابی شده‌اند. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل مؤلفه‌های اثرگذار بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهری کلان‌شهر اهواز است. جامعه آماری پژوهش را کلیه مناطق هشت‌گانه شهر اهواز تشکیل می‌دهد که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه برای تکمیل پرسش‌نامه انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نمونه‌گیری نیز متناسب با حجم در مناطق هشت‌گانه شهر اهواز تعیین گردید. یافته‌ها حاکی از آن است که بیشترین و کمترین میزان مشارکت بین مناطق ۳ و ۱ به ترتیب با میانگین ۱۵/۷۲ و ۹/۷۱ در ۹ مؤلفه بوده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سن پاسخگویان و میزان مشارکت آنان با سطح همبستگی (۰/۲۱۱) اختلاف معنی‌داری وجود دارد، اما با آزمون من و تنی رابطه بین جنسیت و میزان مشارکت رد شد. آزمون رگرسیون خطی ساده نیز نشان داد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل تأثیر زیادی بر متغیر وابسته (مشارکت) دارد؛ همچنین این آزمون با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض این‌که هر چه رضایت اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، مشارکت آنان افزایش می‌یابد، تأیید کرد. تحلیل واریانس یک طرفه نیز گویای آن است که افزایش آگاهی شهروندان، مشارکت بیشتر آنان را به دنبال دارد؛ همچنین آزمون همبستگی کندانال نشان داد که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت رابطه معنی‌داری وجود دارد و در پایان مدل تحلیل مسیر، حاصل نرم‌افزار AMOS معنی‌داری تمام مؤلفه‌ها را به جز مؤلفه جنسیت تأیید می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** مشارکت شهروندان، مدیریت شهری، مناطق هشت‌گانه، شهر اهواز.

### مقدمه

شهروندانشینان به «شهروندان» غیرممکن می‌دانند، از این -  
رو جلب مشارکت شهروندان یکی از دغدغه‌های اصلی  
مدیریت‌های نوین شهری محسوب می‌شود که  
دستیابی به این مهم جز از طریق تلاش علمی و برنامه-  
ریزی شده مبتنی بر شناخت کافی از مسئله، امکان‌پذیر  
نیست (عبداله‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۸). در واقع  
این نوع مشارکت زمینه‌ساز ارتباط متقابل مردم با  
بحث‌های مدیریت شهری است. این تجربه سودمند و  
شوق‌انگیز در اداره امور جمعی، رغبت مردم را برای

در گذشته، کوچکی اندازه جامعه، تنوع اندک  
نقش‌های اقتصادی و اجتماعی، محدودیت روابط و بی-  
سوادی بیشتر افراد همراه تمایلات حاکمان، موجب شد  
که شهرها به شیوه متمرکز اداره شوند، اما در جوامع  
امروزی، اکثر صاحب‌نظران، تجربه مدیریت شهری  
متمرکز را شکست خورده دانسته و آن را بدون  
مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها و تبدیل

ایجاد نظام‌های محلی اداره امور به شمار می‌رود (رام‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۶).

شهر اهواز به عنوان یکی از شهرهای بزرگ ایران با جمعیت ۱۱۸۶۸۸۰ نفر در ابتدای دهه نود و دارا بودن نرخ رشد بالای جمعیت در طول چند دهه اخیر نمونه بارزی از شهرهایی است که مسائل و مشکلات ناشی از افزایش جمعیت، فشار بر زیرساخت‌های شهری و روبرو شدن مدیریت شهری را با مشکلاتی در ارائه خدمات به شهروندان تجربه می‌کند که بیش از هر زمان دیگری نیاز به جلب مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و رفع موانع و مشکلات موجود دارد. این پژوهش در همین راستا درصدد این است ضمن بررسی الگوهای موجود، مشارکت شهروندان در ارتباط با مدیریت شهری و تجزیه و تحلیل میزان مشارکت شهروندان شهر اهواز را در فعالیت‌های مربوط به مدیریت شهر و عوامل مؤثر بر مشارکت آن‌ها و همچنین واكوی روش‌های جلب مشارکت شهروندان اهوازی، راهکارهایی عملی جهت ارتقاء مشارکت آن‌ها در مدیریت امور شهری به منظور بهبود اداره شهر ارائه دهد.

### پیشینه پژوهش

تاریخچه پژوهش در خصوص مشارکت اجتماعی به پیش از ۱۸۹۵ میلادی بازمی‌گردد؛ از زمانی که هندرسون، مقاله‌ای را با عنوان مکان و کارکرد انجمن‌های داوطلبانه در مجله آمریکایی جامعه‌شناسی به چاپ رساند، از زمان انتشار این مقاله هندرسون تا ۱۹۵۰، کمتر از ۲۰ درصد مطالعات در ارتباط با جامعه‌شناسی انتشار یافته بود؛ اما در دو دهه ۱۹۴۹-۱۹۴۰ و ۱۹۳۹-۱۹۳۰، حجم مقاله‌های انتشار یافته افزایش یافت. کمابیش از انتشارات مرتبط با مشارکت، بین سال‌های ۱۹۵۹-۱۹۵۰ منتشر شده که بیشتر آن‌ها به صورت اسنادی و تحلیلی بوده‌اند (ادوارد و بوت<sup>۱</sup>، ۱۹۷۳: ۱۶). در دهه ۱۹۹۰، پژوهشی در حوزه مشارکت جهت‌گیری تازه‌ای یافت؛ به‌گونه‌ای که روش‌شناسی و تدوین فرضیه‌ها و آزمون آن بر

پرداختن به کارهای بزرگ‌تر ملی تحریک می‌کند و آنان را با تکیه بر نتایج سودمند که از مشارکت محلی به دست می‌آوردند، به مشارکت‌های بزرگ ملی کشوری راغب می‌گرداند (رام‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱). باین حال، مسئولیت‌های اجتماعی شهروندان وقتی عینیت می‌یابد که احساس تعلق در آن‌ها ایجاد شود و احساس تعلق و مالکیت جمعی بر شهر و مسائل آن به وجود نمی‌آید مگر این‌که شهروندان علاوه بر این‌که در فضای آزاد و دموکراتیک، نمایندگان خود را برای تشکیل شوراهای شهر انتخاب می‌کنند، بتوانند در موارد لازم به‌طور مستقیم در اداره امور شهر مشارکت نمایند (صالحی فرد، ۱۳۹۰، ۲۳). این ایده که مردم باید در برنامه‌ریزی‌ها، پیاده‌سازی‌ها و مدیریت شهرها مشارکت کنند، در کشورهای توسعه‌یافته توفیق زیادی داشته است. بحث‌های زیادی در حمایت از مشارکت، شهروندان را برای پذیرفتن برخی مسئولیت‌ها و نقش‌ها می‌طلبد. تجربه‌ها نشان می‌دهد؛ پیش‌شرط اساسی برای این‌که مشارکت عمومی اتفاق بیفتد این است که نتیجه مشارکت باید یک جواب تدریجی به نیازهای مردمی و گروهی شهروندان باشد (پورا احمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد حیات شهری ایران عاری از ویژگی‌های مدنی و شهروندی بوده است. فقط تصمیمات یک جانبه مرکز سیاسی در اداره امور شهرها چارچوب امور را تعیین می‌نمود. در دوران قبل از مشروطیت، نظام‌های استبدادی مبتنی بر ملوک‌الطوایفی و در زمان انقلاب مشروطیت و بعد از آن گفتمان پاتریمونیالیستی دوران قاجار و گفتمان مدرنیستی دوران پهلوی نحوه اداره امور شهرها را تحت اداره ساخت مرکز سیاسی و در رأس آن پادشاه قرار داد و هرگز برای شکل‌گیری مشارکت‌های مردمی فرصتی فراهم نیاورد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۱۳۲). با پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید قانون اساسی مبنی بر اداره امور کشور با اتکاء به آرای عمومی، گامی تازه در تحقق مشارکت شهروندان در اداره امور شهر برداشته شد. برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی کشور در سال ۱۳۷۸، نخستین گام جدی دولت برای تمرکززدایی و

شاید مهم‌ترین تجربه نظری که در ایران در زمینه بررسی الگوی مشارکت مردمی و ساختار آن انجام گرفته مربوط به پژوهش علوی تبار و همکارانش باشد که در سال ۱۳۷۹ تحت عنوان "مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر تهران" صورت پذیرفته است. این پژوهش به بررسی تجارت جهانی الگوهای مشارکت شهروندان اختصاص یافته که طی جلوه‌هایی از مشارکت ذیل این مقولات بررسی و تبیین می‌شود: ۱- مشارکت در مدیریت و تصمیم‌گیری شهری ۲- مشارکت در آبادانی شهر ۳- مشارکت در تأمین ایمنی شهر ۴- مشارکت در بهبود محیط شهری. پژوهش دیگری که در زمینه ساختار و چهارچوب مشارکت شهروندان انجام گرفته مربوط به پژوهش موسایی و شیان (۱۳۸۸)، تحت عنوان "طراحی الگوهای مشارکت شهروندان در امور شهر تهران" است که بیان داشته‌اند: بهترین شیوه مشارکت مردمی در اداره امور شهرها، الگوهای سازمان‌یافته رسمی و برنامه‌ریزی شده برای شهرهای بزرگ‌تر و الگوهای خودجوش و مردمی برای شهرهای کوچک‌تر است.

به طور کلی، نتایج تحقیقات احمدی و توکلی (۱۳۸۵)، شفیع (۱۳۸۵)، شریف‌زاده و صدقی (۱۳۸۷)، عباس‌زاده (۱۳۸۷) و دیگران نشان می‌دهد که سابقه مشارکت، شناخت مفهوم مشارکت، احساس تعلق به محل سکونت، ارزیابی پیامدهای مشارکت، سودآورد بودن فعالیت‌های مشارکتی، اوقات فراغت، اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر، اطلاع‌رسانی و پاسخگویی مدیران شهری، سنت‌گرایی، احساس تعلق اجتماعی، احساس مالکیت بر محیط شهری، رضایت از خدمات شهری، احساس توانمندی در مقابل شهرداری، احساس اثربخشی شهروندی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و عضویت در تشکل‌ها مهم‌ترین متغیرهایی هستند که مشارکت اجتماعی شهروندان را در امور شهری تبیین می‌کنند. در همه تحقیقات انجام شده میزان مشارکت در امور شهری اکثراً در حد متوسط رو به پایین به دست آمده و تنها در تحقیقی که عباس‌زاده (۱۳۸۷) در شهر اصفهان انجام داده است،

اساس نظریه‌ها، مدنظر قرار گرفت. اینجا بود که مطالعات با توجه به امر مشارکت به رشته تحریر درآمد (علیزاده اقدم، ۱۳۹۲: ۱۹۶) و در نهایت امر، الکس دوتوکویل از اواسط قرن ۱۹، مشارکت عمومی را در زندگی مدنی مطرح کرد (باوم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۱۸۴۰-۱۸۴۱)؛ بنابراین می‌توان گفت که مشارکت شهروندی از سال ۱۹۵۰، موضوع دامنه‌داری در حوزه برنامه‌ریزی بوده و به همین دلیل برنامه‌ریزان شهری تلاش کردند در تصمیم‌گیری‌های شهری، از نظرهای شهروندان آگاه شده و با همکاری آنان، برنامه‌های خود را عملی کنند؛ چراکه آنان معتقد بودند که مشارکت، شهروندان را مسئولیت‌پذیر بار آورده و به فرایندهای تصمیم‌گیری مشروعیت می‌بخشد؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم‌گیری اتخاذی از سوی مسئولان، سبب می‌شود آنان به راحتی برنامه خود را عملی کنند (برون و گلن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۹۷). با این تفاسیر؛ به منظور آگاهی از تحلیل مؤلفه‌های اثرگذار بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، مطالعات گوناگونی چه در ایران و چه در جهان صورت پذیرفته است که به‌اختصار چند مورد ذکر می‌شود.

وان رایزین (۲۰۰۶)، با توجه به مدل شاخص‌های رضایت مشتریان آمریکایی، به ارائه مدلی در زمینه شاخص‌های رضایت شهروندان برای شهر نیویورک پرداخته‌اند. بر اساس این مدل، شاخص‌های رضایت شهروندان، کیفیت فعالیت‌های مختلف دولت همانند مدارس، آتش‌نشانی و... بر رضایت شهروندان تأثیر مستقیم دارد. در این میان، انتظارات هم بر کیفیت و هم بر رضایت اثرگذار است. لی، جیم و یو (۲۰۰۹)، در توصیف پژوهش خود بر مؤلفه‌های مهمی از قبیل؛ تأمین نیازها، روابط مؤثر بر یکدیگر، خدمات تفکیک‌شده و اثربخشی فردی تأکید کرده‌اند. بر اساس این مدل، عوامل تأمین نیازها و خدمات تفکیک‌شده به‌طور مستقیم بر رضایت شهروندی تأثیر می‌گذارند اما تأثیر روابط مؤثر بر یکدیگر غیرمستقیم است.

1. Baum
2. Brown & Glenn

مشارکت شهروندان در امور شهری در حد بالایی است. این تحقیقات به لحاظ نظری به پژوهش غنای محتوایی می‌بخشد و از این طریق می‌توان دریافت که با وجود این متغیرها ممکن است عوامل دیگری نیز دخیل باشند.

### مبانی نظری پژوهش

**تعریف و مفهوم مشارکت:** مشارکت نوعی رفتار اجتماعی، مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی یا گروهی است (غلامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۰). این مفهوم از مصادیق کنش اجتماعی بوده و تمامی احکام و عوارض آن را نیز داراست و کنش اجتماعی عبارت از همه حالات فکری، احساسی و رفتاری است که جهت‌گیری آن‌ها بر اساس الگوی جمعی ساخت‌یابی شده‌اند و مهم‌ترین نظریه‌ای که بتواند کنش‌های مختلف افراد جامعه را تبیین کرد و توضیح دهد، نظریه کنش موجه<sup>۱</sup> است (کرمی و شیوا، ۲۰۰۶: ۱۵). این الگو به‌طور گسترده‌ای در علوم اجتماعی و روانشناسی به‌کار گرفته شده و در ارتباط با متغیرهای تعیین‌کننده رفتار نیت شده است که به‌صورت آگاهانه انجام می‌پذیرد (دیویس و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۰۰۳). الگوی کنش موجه سعی در پیش‌بینی رفتار دارد و نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که این الگو این توانایی را دارد (نیمایر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱: ۲۲).

### دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکتی

در جامعه امروز، نیاز بشر به همزیستی در سطح بالایی احساس می‌گردد و این همزیستی در قالب شهرها تحقق می‌یابد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۶، ۱۸۲). توسعه هر یک از ابعاد شهری بدون توجه به مختصات و ویژگی‌های فرهنگی آن‌ها کمک چندانی به ارتقای سطح کیفیت زندگی شهروندان نخواهد کرد، بلکه پیامدهای خواسته و ناخواسته فراوانی را برای مردم به بار خواهد آورد. برای اداره امور عمومی شهری دو روش و شیوه وجود دارد: در روش نخست که

حکومت نام دارد، شهرداری مسئولیت تمام امور را بر عهده دارد. این نهاد موظف است تمامی خدمات را برای شهروندان فراهم کند. این روش به سبب مسائلی مانند پیچیدگی روزافزون زندگی و کاهش توان مدیریت‌ها در حل مسائل شهری و از بین بردن یا تضعیف قوه استقلال و ابتکار عمل شهروندان مورد چالش‌های جدی قرار گرفته است. در روش دوم که حکومت‌داری نام دارد، مسئولیت اداره امور عمومی میان سه نهاد شهرداری، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است. هر یک از این سه نهاد به‌طور مشترک در قبال تمامی مسائل پاسخگو هستند. در این رابطه مشترک، لازم است هر یک از شرکا منابعی را فراهم کنند. منابع شهرداری شامل امکانات فنی، توان مالی و روش‌های مردم‌سالارانه انجام امور و منابع بخش خصوصی شامل توان مدیریت و روش‌های بهره‌وری و کارآمد انجام امور و منابع جامعه مدنی شامل دارایی‌های اجتماعی و فرهنگی است (غفاری و جمشید زاده، ۱۳۹۰: ۱۷)؛ همچنین در زمینه نحوه عملکرد مردم و مسئولین در شهر، سه دیدگاه کلی (اصلی) وجود دارد: دیدگاه حداکثرگرا، دیدگاه حداقل‌گرا و دیدگاه مشارکت‌گرا. حداکثرگرایان معتقدند که باید تمام وظایفی را که دولت در قبال یک شهر دارد به مجموعه مدیریت شهری به‌خصوص شورای شهر و شهرداری تفویض نماید. بر اساس این دیدگاه شورای شهر دارای این قابلیت است که وظایف دولت را در محدوده یک به عهده گیرد. برخلاف دیدگاه حداکثرگرا، معتقدان به دیدگاه حداقل‌گرا بر این باورند که مسائل شهر به مسائلی در حد خدمات شهری محدود می‌شود و لذا میزان مشارکت مردم را نیز در همین سطح تعریف می‌کنند. دیدگاه مشارکت‌گرا: یک شهر بر اساس دیدگاه حداکثرگرا نمی‌تواند حوزه اختیارات دولت را در محدوده خود به‌صورت کامل به عهده گیرد؛ چراکه برخی از برنامه‌ها، اهداف و نظارت‌های در نظر گرفته شده از سوی دولت در ارتباط با کل جامعه است و حتی اگر ما از شوراهای مفهوم دولت‌شهر را مدنظر داشته باشیم در این صورت

1. Action justified  
2. Niemeyer

وندالیست به شهروند متعهد و ذی‌مسئول مبدل می‌شود (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۶).

۲- دیدگاه آرگریس: آرگریس در کتاب شخصیت و سازمان بر این موضوع تأکید دارد که سازمان از منابع و انرژی‌های متعددی استفاده می‌کند که مهم‌ترین آن انرژی روانی است از این‌رو توجه و عنایت به امیال و خواسته‌های منطقی مرتبط با حقوق شهروندان اصلی بسیار محترم و باارزش است و بازخورد آن به تقلیل مسائل و معضلات شهری می‌انجامد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۸: ۱۰).

۳- دیدگاه جورج زیمل: به نظر زیمل وظیفه ما در کلان‌شهرها نه ستایش شهروند و نه لعنت فرستادن بر آن است بلکه وظیفه ما فقط فهمیدن است. به نظر زیمل بنیاد روان شناختی فرد نوع کلان‌شهری در شدت یافتن تحریکات عصبی نهفته است که خود ناشی از تغییر سریع و بدون وقفه محرک‌های بیرونی و درونی است (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۶).

۴- دیدگاه میسرا: نظرات میسرا در خصوص انحصاری شدن مقوله برنامه‌ریزی در کشورهای در حال توسعه بسیار حائز اهمیت است. به نظر میسرا برنامه‌ریزی که ما امروز تربیت می‌کنیم از نظر حرفه‌ای بسیار متعصبانه و بیشتر به حرف خود توجه دارند تا مردم. در واقع چنین برنامه‌ریزی همراه با مردم نیست بلکه ورای آن‌ها قرار دارد. این برنامه‌ریزی فقط بخشی از فرایند توسعه را درمی‌یابد اما می‌پندارد که تمامی آن را دریافته است. بر پایه مطالعات فوق می‌توان نتیجه گرفت که اکنون به برنامه‌ریزان و مدیرانی نیازمندیم که بتوانند با مردم کار کنند. توسعه چیزی نیست که دادنی باشد. کسانی که از نتایج طرح‌ها و برنامه‌های توسعه بهره می‌گیرند باید برای آن بکوشند و آن را به دست آورند. برای یک برنامه‌ریز و مدیر امور شهری ضروری است که به احتیاجات مردم برای رسیدن به هدف‌های توسعه آگاه باشند (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۶).

نیز به دلایلی خلاف تجربه و واقعیات جامعه عمل کرده‌ایم (سیف، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۹).

در حال حاضر در ایران دستگاه‌های اجرایی بر اساس دیدگاه حداقل‌گرا فعالیت می‌نمایند و شوراهای شهر نیز به دیدگاه حداکثرگرا رغبت بیشتری نشان می‌دهند در صورتی که باید برای سیستم مدیریت شهری رویکردی اتخاذ شود تا برآورنده نیازهای عمده جامعه باشد؛ لذا در طرح‌های مدنظر برای شهر باید ضمن لحاظ نظرات شورای شهر، بین نیازهای گوناگون و بعضاً متناقض جامعه هماهنگی ایجاد شود. بر اساس چنین رویکردی برای تعریف میزان و چگونگی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر باید به نقش و جایگاه شوراها به‌عنوان نماد اصلی مشارکت‌پذیری مردم توجه کرد. بر این اساس باید به نوعی اصل کثرت در وحدت و وحدت در کثرت را در نظر گرفت. یعنی باید برای ایجاد تعادل در مشارکت شهروندان بین نیازهای متکثر مردم وحدت ایجاد کرده و همچنین بر اساس اولویت‌ها به همه نیازهای آنان پاسخ داد در غیر این صورت یعنی در صورت پذیرش یکی از دیدگاه‌های حداکثر و حداقل‌گرا مدیریت شهری کارآمدی لازم را برای افزایش مشارکت شهروندی از دست می‌دهد (رام‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۵) از میان این مشارکت‌گرایان به پنج مورد از مهم‌ترین و مرتبط‌ترین‌شان اشاره می‌کنیم:

۱- دیدگاه لیکرت: بر پایه تحقیقاتی که لیکرت به عمل آورده و به این نتیجه دست‌یافت که رابطه مستقیم و نزدیکی بین بازدهی و روحیه وجود دارد. یعنی به همان اندازه که روحیه افراد در سازمان افزایش می‌یابد، بازدهی و میزان تولید آنان نیز افزایش می‌یابد، لذا می‌توان اذعان داشت که هر اندازه مدیران و مسئولین شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها بتوانند به نظرات و پیشنهادهای شهروندان بهای لازم بدهند و به آرا و خواسته‌ها و روحیات آن‌ها توجه داشته و احترام بگذارند به همان اندازه میل و رغبت آنان را در همکاری و افزایش توان سرویس‌دهی برانگیخته و در واقع شهرنشین منزوی بی‌تفاوت سرخورده و ندرتاً

و مشکلات زیست محیطی شهری در ابعاد وسیعی می-باشیم، مواردی چون رعایت ترافیک، توجه به فضای سبز، همکاری با شهرداری‌ها در زمینه رعایت ساخت‌وسازها، جمع‌آوری زباله و مسائل عدیده دیگر نمایانگر مشکلاتی است که امروزه شهرها با آن روبرو می‌شوند (مارشال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۲۲). بر همین اساس به منظور جلب اعتماد و نیز تداوم و پایداری بیشتر برنامه-ریزی‌ها و فعالیت‌ها در مناطق شهری، رویکرد مناسب، همان استفاده از رویکرد مشارکتی می‌باشد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴).

### روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات بر حسب مقتضیات پژوهش از شیوه کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. ابتدا به شاخص‌بندی مؤلفه‌های مشارکت پرداخته شده و در مرحله بعد برای هر یک از مؤلفه‌ها گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت (پنج گویه‌ای) مطرح گردید. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کل شهروندان مناطق هشت‌گانه شهر اهواز بوده است. تعیین حجم نمونه آماری آن با استفاده از روش کوکران<sup>۲</sup> بوده که نحوه نمونه‌گیری با استفاده از روش تصادفی ساده بدون جایگزینی انجام می‌شود. جهت روایی پرسش‌نامه از نظرات کارشناسان صاحب امر و برای پایایی از ضریب آلفای کرون باخ<sup>۳</sup> استفاده می‌شود. پس از به دست آوردن اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه، از ابزار آماری SPSS، ترسیم نمودار از نرم‌افزار Excel و نقشه‌های مورد نیاز با استفاده از نرم‌افزار GIS تهیه و ترسیم شده است.

۵- دیدگاه ویلیام: در نهایت این که به نظر ویلیام حل مشکلات شهری بدون در نظر داشتن عوامل اساسی، عقب‌ماندگی کاملاً غیرممکن است و بدین صورت باید از شهرسازی به‌عنوان وسیله تحول و تغییر واقعیت‌های موجود در سیستم کنونی استفاده نمود. مطابق این نظریات، به نظر می‌رسد دشوارترین کار برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری کشف رمز و راز و کلید توسعه شهری است و حال آن که توجه به منابع انرژی بالقوه و بالفعل انسانی و هدایت این انرژی در مسیر درست می‌تواند سرمایه عظیمی در اداره امور شهر محسوب شود (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲).

**مشارکت و مدیریت شهری:** مهم‌ترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست؛ بنابراین، هنگامی که شهر دارای مشکلات و نارسایی‌هایی در چرخه امور خود است و از مشکلات شهری و آلودگی‌های محیطی و اقسام آسیب‌های اجتماعی رنج می‌برد و بحران‌هایی همچون مسکن، نقص در تأسیسات عمومی، بیکاری، کمی درآمد، زاغه‌نشینی، رشد بی‌رویه شهری و بی‌هویتی در شکل‌گیری بافت‌ها و ساختمان‌ها را تجربه می‌کند، می‌توان به این نتیجه رسید که مدیریت آن شهر در تنگنا و نارسایی به سر می‌برد. در این باره، مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن برنامه برای وضع موجود شهر و فائق آمدن بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده مدونی نیز تدوین کرده، بر اساس آن‌ها به ترسیم اهداف خود بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط زمانی و مکانی پردازد. در این مورد، مدیریت شهری باید حافظ شهرها و منافع مردم باشد (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۹). حال آن که شاهد افزایش نیروهای انسانی

1. Marshal  
2. Cochran  
3. Reliability  
4. Cronbach,s Alpha

جدول ۱: تعداد نمونه برای هر منطقه شهری طبق روش نمونه‌گیری ساده بدون جایگزینی

منطقه	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸	کل نمونه
جمعیت	۱۱۳۵۳۳	۸۰۳۲۹	۱۵۹۶۲۴	۱۷۸۱۶۲	۱۶۷۴۴۰	۲۰۹۴۲۸	۱۶۰۴۶۰	۱۱۷۹۰۴	
تعداد نمونه	۳۰	۲۰	۵۰	۶۷	۵۷	۸۵	۳۵	۴۰	۳۸۴

منبع: آمارنامه شهر اهواز، ۱۳۹۰

در جدول دو، مقادیر آلفای کرون باخ برای سنجش پایایی شاخص‌ها و متغیرهای آن که به‌عنوان سازه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، آمده است، در ضمن، میزان آلفای کلی برای ابعاد پژوهش ۰/۷۳ به‌دست آمد.

جدول ۲: میزان پایایی شاخص‌های پژوهش

شاخص	اعتماد اجتماعی	رضایت اجتماعی	آگاهی اجتماعی	مشارکت
تعداد گویه	۵	۳	۴	۹
میزان آلفا	۰/۹۲	۰/۶۷	۰/۶۸	۰/۶۴

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳: شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

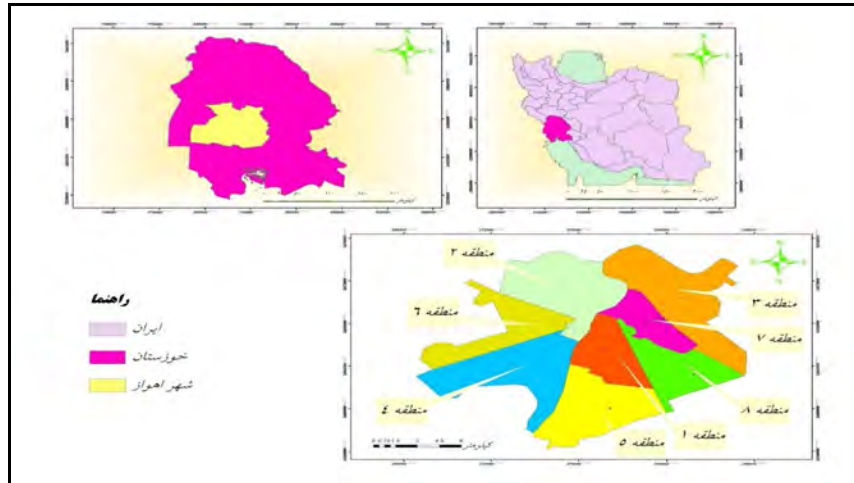
شاخص	مؤلفه‌ها	رضایت اجتماعی	رضایت از زندگی
اعتماد اجتماعی	صداقت مدیران	مشارکت	رضایت از همسایگان
	اعتماد به همشهریان		رضایت از سازمان‌های شهری
	دفعات مراجعه به شهرداری		مراقبت از وسایل عمومی
	اعتماد به مسئولین		عضویت در نهادها
آگاهی اجتماعی	پاسخگویی	مشارکت	پاکیزگی محیطی
	روزنامه خواندن		پرداخت عوارض
	میزان تماشای تلویزیون		درختکاری
	آشنایی با حقوق شهروندی		عدم تخلف ساخت و ساز
			انتظار پاداش

منبع: یافته‌های پژوهش

### محدوده مورد مطالعه

شهر اهواز، مرکز استان خوزستان، با مساحت تقریبی ۲۲۰ کیلومتر مربع وسیع‌ترین شهر استان است. موقعیت این شهر از نظر جغرافیایی در ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است و در جلگه‌ای با ارتفاع ۱۸ متر از سطح دریا قرار دارد (جوکار، ۱۳۹۰: ۶۶). این شهرداری هشت منطقه شهرداری است. که هر یک

دارای سه یا چهار ناحیه می‌باشند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴: ۳). شهر اهواز بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، ۲۴ درصد از کل استان و ۳۳/۸۳ درصد از جمعیت شهری استان را تشکیل می‌دهد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). در جدول (۱) جمعیت و مساحت شهر اهواز به تفکیک مناطق آمده است.

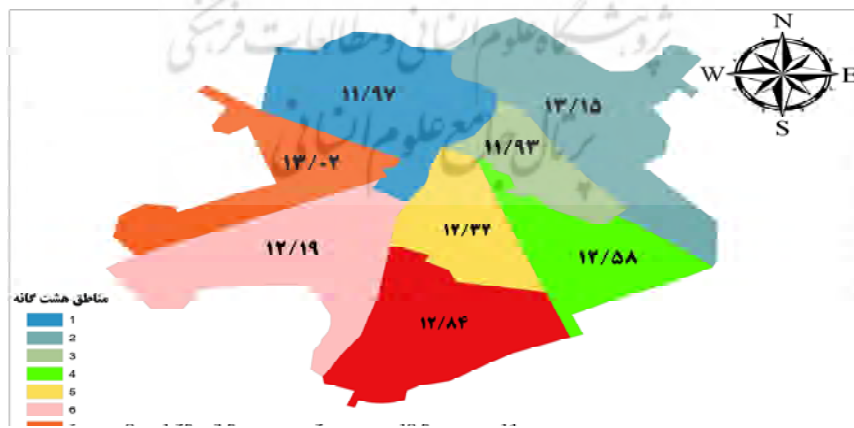


شکل ۲: موقعیت جغرافیایی مناطق هشت‌گانه شهر اهواز  
ترسیم: نگارندگان

**یافته‌های توصیفی**

در این پژوهش ابتدا جهت آشنایی و شناخت هر چه بیشتر جامعه آماری مورد مطالعه، خصیصه‌های عمومی پاسخ‌گویان مورد بررسی قرار گرفت. این ویژگی‌های عمومی مطابق با پرسش‌نامه‌های آماری در قالب ۶ پرسش شامل: جنسیت، سن، شغل، میزان تحصیلات، میزان درآمد و وضعیت مسکن تدوین و ارائه شده است. طبق نتایج به‌دست آمده از بعد شاخص جنسیت، ۳۲/۶ درصد پاسخ‌گویان زن و ۶۷/۴ درصد پاسخ‌گویان مرد بوده‌اند. از بعد شاخص سن،

بیشترین تعداد پاسخ‌گویان با ۷۲/۹ درصد بین گروه سنی ۴۴ تا ۳۵ سال قرار داشتند. از لحاظ شاخص تحصیلات، بیشترین پاسخ‌گویان با ۷۰/۸ درصد لیسانس بوده‌اند. براساس میزان شغل، بیش از ۶۰ درصد پاسخ‌گویان کارمند دولت و مابقی دارای شغل آزاد، دانشجوی و... بوده‌اند. نوع مسکن ۶۲ درصد پاسخ‌گویان ملکی بوده‌اند؛ همچنین از لحاظ درآمد بیشترین پاسخ‌گویان درآمدی به میزان ۱/۵ تا ۱ میلیون داشته‌اند (جدول ۴).



شکل ۳: میزان اعتماد اجتماعی شهروندان به تفکیک مناطق هشت‌گانه شهر اهواز  
ترسیم: نگارندگان

سنجش مهمترین معیارها، در انتخاب شوراهای از نظر شهروندان به تفکیک مناطق هشت‌گانه: در

این مرحله از پژوهش سعی شده به ارزیابی تفکیک مناطق، میزان اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی و



شامل ۵ گویه بوده انجام گرفت. بر اساس نتایج جدول (۵)، میانگین شاخص اعتماد اجتماعی در بین شهروندان مناطق ۳ و ۶ بیشتر از مناطق دیگر است و این میزان در مناطق ۲ و ۷ شهری کمترین ارزش را به خود اختصاص داده است.

آگاهی اجتماعی که از مؤلفه‌های اثرگذار بر مشارکت شهروندان در نظر گرفته شده‌اند، بپردازند؛ بنابراین شاخص‌های پژوهش در قالب سازه پرسشی برای هر یک از ابعاد پژوهش از دیدگاه شهروندان ارزیابی شد. این ارزیابی ابتدا برای شاخص اعتماد اجتماعی که

جدول ۴: ویژگی‌های جمعیت شناختی جامعه نمونه

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۲۵
	زن	۲۵۹
سن	۱۴ تا ۲۴ سال	۲۴
	۲۵ تا ۳۴ سال	۳۲
	۳۵ تا ۴۴ سال	۲۸۰
	بیش از ۴۵ سال	۴۸
شغل	کارمند	۲۶۰
	آزاد	۴۸
	بازنشسته	۲۰
	دانشجو	۴۰
تحصیلات	سایر	۱۶
	زیردیپلم	۸
	دیپلم	۱۶
	فوق دیپلم	۴۸
	لیسانس	۲۷۲
درآمد	فوق لیسانس و بالاتر	۴۰
	زیر یک میلیون تومان	۷۷
	یک میلیون تا سه میلیون تومان	۱۸۵
	سه میلیون تا پنج میلیون تومان	۷۸
تصرف ملکی(مالکیت)	بالای پنج میلیون تومان	۴۴
	ملکی	۲۴۰
	رهن	۱۰۱
	اجاره	۳۲
سایر	۱۱	۲/۸

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵: سنجش میزان اعتماد اجتماعی شهروندان به تفکیک مناطق

منطقه	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸
میانگین اعتماد اجتماعی شهروندان	۱۲/۳۲	۱۱/۹۷	۱۳/۱۵	۱۲/۱۹	۱۲/۸۴	۱۳/۰۲	۱۱/۹۳	۱۲/۵۸

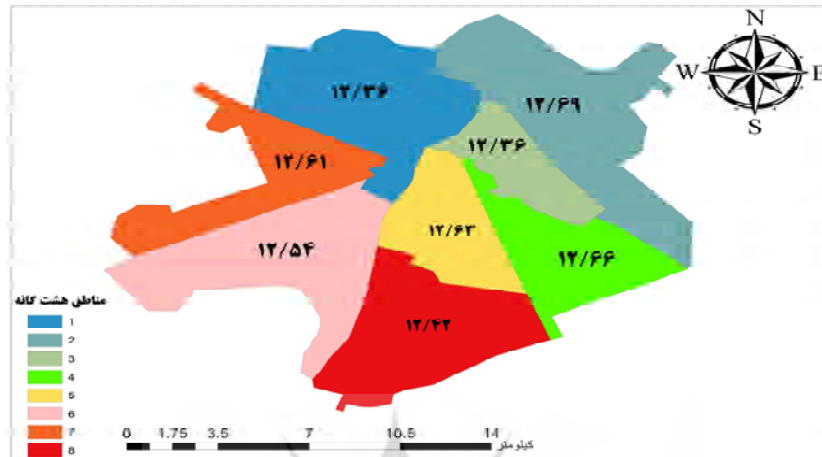
برای سنجش میانگین رضایت اجتماعی شهروندان در بین مناطق هشت‌گانه شهر اهواز بر اساس سه گویه (رضایت از زندگی، رضایت از همسایگان، رضایت از سازمان‌های شهری) به بررسی میزان رضایت

اجتماعی پرداخته شد. نتایج تحلیل همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده آن است که مناطق ۳ و ۸ بیشترین رضایت و مناطق ۱ و ۷ کمترین رضایت اجتماعی را اظهار کرده‌اند.

جدول ۶: سنجش میزان رضایت اجتماعی شهروندان به تفکیک مناطق

منطقه	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸
میانگین رضایت اجتماعی شهروندان	۱۲/۶۳	۱۲/۳۶	۱۲/۶۹	۱۲/۵۴	۱۲/۴۲	۱۲/۶۱	۱۲/۳۶	۱۲/۶۶

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۳: میزان رضایت اجتماعی شهروندان به تفکیک مناطق هشت‌گانه شهر اهواز ترسیم: نگارندگان

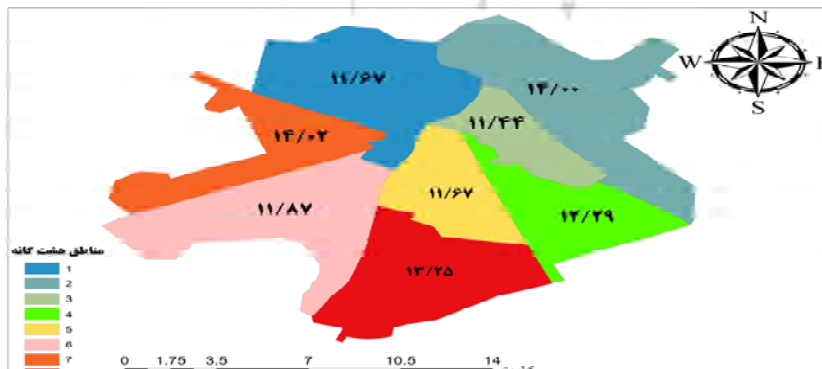
نشان می‌دهد که آگاهی اجتماعی شهروندان در بین مناطق ۷ و ۳ نسبت به مناطق دیگر تفاوت اساسی وجود دارد.

میانگین گویه‌های مؤلفه آگاهی اجتماعی که شامل (تعداد دفعات مراجعه به شهرداری، میزان نگاه کردن به تلویزیون، میزان استفاده از روزنامه و اینترنت، میزان آشنایی با حقوق شهروندی) بوده است،

جدول ۷: سنجش میزان آگاهی اجتماعی شهروندان به تفکیک مناطق

منطقه	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸
میانگین آگاهی اجتماعی شهروندان	۱۱/۶۷	۱۱/۶۷	۱۴	۱۱/۸۷	۱۳/۲۵	۱۴/۰۲	۱۱/۴۴	۱۲/۲۹

منبع: یافته‌های پژوهش



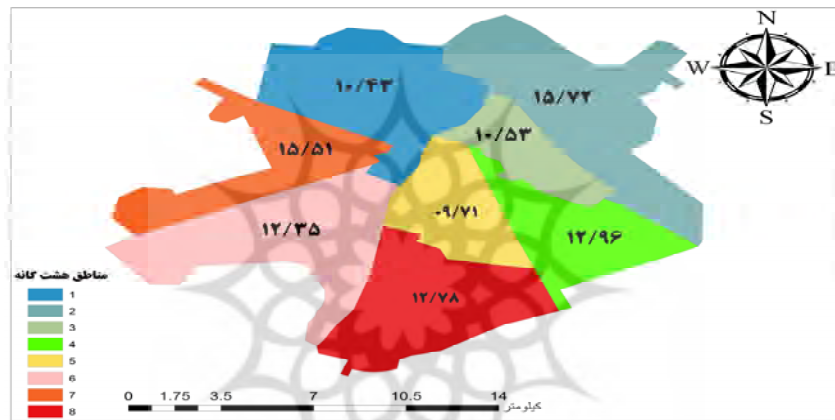
شکل ۴: میزان آگاهی اجتماعی شهروندان به تفکیک مناطق هشت‌گانه شهر اهواز ترسیم: نگارندگان

براساس یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها، میانگین پاسخ‌ها به ۹ پرسش پنج‌گویه‌ای طیف لیکرت، پیرامون میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری، در سطح کل کلان‌شهر اهواز، ۱۷/۳ درصد پاسخ‌گویان میزان مشارکت خود در امور شهری را خیلی کم، ۴۰/۵ درصد میزان مشارکت خود را کم، ۱۷/۸ درصد متوسط، ۱۷/۶ درصد میزان مشارکت را زیاد و ۶/۳

پاسخ‌گویان میزان مشارکت خود را در امور شهری زیاد توصیف کرده‌اند. نتایج تحلیل نیز گویای آن است که میزان مشارکت شهروندان در امور شهری در بین مناطق ۳ و ۶ نسبت به دیگر مناطق وضعیت مطلوب‌تری دارد، در صورتی که میزان مشارکت شهروندان در مناطق ۱ و ۲ وضعیت خوبی را نشان نمی‌دهد (جدول ۸).

جدول ۸: سنجش میزان مشارکت شهروندان در امور شهری به تفکیک مناطق کلان‌شهر اهواز

منطقه	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸
میانگین مشارکت شهروندان در امور شهری	۹/۷۱	۱۰/۴۳	۱۵/۷۲	۱۲/۳۵	۱۲/۷۸	۱۵/۵۱	۱۰/۵۳	۱۲/۹۶



شکل ۵: میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری به تفکیک مناطق هشت‌گانه شهر اهواز  
ترسیم: نگارندگان

### یافته‌های استنباطی

با توجه به اینکه در آمار توصیفی هیچ‌گاه نمی‌توان نتایج به دست آمده از نمونه آماری را به کل جامعه آماری تعمیم داد، در آمار استنباطی یافته‌های به دست آمده قابلیت تعمیم به کل جمعیت آماری پژوهش را داد؛ از این رو چهار فرضیه تحقیق به شرح زیر مورد آزمون و تحلیل قرار گرفته شد.  
**فرضیه اول:** بین ویژگی‌های فردی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخ‌گویان و میزان مشارکت آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جهت پاسخگویی به این فرضیه، نیازمند طراحی فرضیه‌های فرعی جهت پوشش پرسش اصلی می‌باشیم که در این رابطه سه پرسش مطرح شده است.  
**میزان سن شهروندان بر میزان مشارکت آنان در اداره امور شهر تاثیرگذار است:** برای اثبات این فرضیه، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که سطح همبستگی بین دو متغیر ۰/۲۱۱ بوده است؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که بین میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر و سن آنان اختلاف معنی‌داری وجود دارد (جدول ۹).

جدول ۹: سنجش ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر سن و مشارکت

		مشارکت	سن
مشارکت	سطح همبستگی	۱	۰/۲۱۱
	سطح معنی داری		۰/۰۰۰
	فراوانی	۳۸۴	۳۸۴
سن	سطح همبستگی	۰/۲۱۱	۱
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	
	فراوانی	۳۸۴	۳۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش

شده است یعنی در این تحقیق، میزان زنان بیشتر از مردان بوده است. و با توجه به این که مقدار من ویتنی ۱۱۰۴۴/۰ و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) گزارش شده از ۰/۰۵ بیشتر است می‌توان فرض را رد کرد؛ بنابراین بین زنان و مردان به لحاظ میزان مشارکت در امور شهر تفاوت معنی داری وجود ندارد.

**بین جنسیت و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر تفاوت معنی داری وجود دارد:** برای آزمون این فرضیه، از آزمون من ویتنی با استفاده از مؤلفه جنسیت استفاده شده است (جدول ۱۰)، در این آزمون هر چه میانگین رتبه‌ها به هم نزدیک‌تر باشند، احتمال رد فرض کمتر می‌شود. در اینجا میانگین برای زنان ۲۸۲/۰۶ و برای مردان ۱۴۹/۲۷

جدول ۱۰: آزمون من ویتنی برای تحلیل رابطه بین جنسیت و میزان مشارکت

Sig	مقدار من ویتنی	مجموع رتبه‌ها	میانگین رتبه‌ها	فراوانی	متغیر
۰/۲۷	۴۹۹۲/۰	۳۵۲۵۸/۰۰	۲۸۲/۰۶	۱۲۵	زن
		۳۸۶۶۲/۰۰	۱۴۹/۲۷	۲۵۹	مرد

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل رگرسیون است، اگر بتا (Beta) و تی (t) بزرگتر و سطح معنی داری (Sig) کوچک‌تر باشد، بدین معنا است که متغیر مستقل (شغل، تحصیلات، درآمد و تصرف ملکی) تأثیر بیشتری بر متغیر وابسته (مشارکت) دارد. در اینجا بتا برای متغیر شغل ۰/۱۵۵، برای متغیر تحصیلات ۰/۵۵۴، برای متغیر درآمد ۰/۲۲۲ و برای متغیر نوع مسکن ۰/۴۴۰ شده است. تأثیر متغیر شغل، تحصیلات، درآمد و نوع مسکن معنی دار شده است. بدین ترتیب این چهار نوع متغیر در بین شهروندان شهر اهواز تأثیر مستقیم و معنی داری بر میزان مشارکت آنها در اداره امور شهری دارد. یعنی هر چه وضعیت شغلی افراد، میزان تحصیلات و درآمد آنها ارتقاء یابد و به دنبال آن افراد دارای مسکن ملکی شخصی باشند، تمایل آنها برای مشارکت در امور شهری اهواز افزایش می‌یابد.

**میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها مرتبط است:** هدف در این فرضیه سنجش رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد و میزان مشارکت در امور شهری است. برای سنجش رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت در اداره امور شهری از ۴ مؤلفه شغل، تحصیلات، میزان درآمد خانوار و تصرف ملکی افراد استفاده شده است. برای سنجش داده‌های گردآوری شده فرضیه فوق از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده گردید. جدول (۱۱) نشان می‌دهد که بین میانگین مشارکت به‌عنوان متغیر وابسته و (سواد، شغل، تحصیلات و تصرف ملکی) که بیانگر وضعیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان است به‌عنوان متغیرهای مستقل تفاوت و رابطه وجود دارد. متغیر وارد شده در معادله رگرسیونی که هسته اصلی

جدول ۱۱: آزمون رگرسیون خطی ساده برای سنجش رابطه بین وضعیت اجتماعی - اقتصادی و میزان مشارکت

سطح معنی‌داری	T	ضرایب غیراستاندارد		نام متغیر
		ضرایب استاندارد شده	خطا $\beta$	
۰/۰۰۰	۱۱/۵۰۸	-	۰/۳۱۳	عرض از مبدأ
۰/۰۰۱	۳/۴۴۳	۰/۱۵۵	۰/۰۵۲	شغل
۰/۰۰۰	۱۰/۷۵۱	۰/۵۵۴	۰/۰۸۰	تحصیلات
۰/۰۰۰	۴/۱۰۰	۰/۲۲۲	۰/۰۷۵	درآمد
۰/۰۰۰	۹/۰۴۱	۰/۴۴۰	۰/۰۸۸	تصرف ملکی

منبع: یافته‌های پژوهش

اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت تفاوت وجود دارد، همچنان که از سطح معنی‌داری آزمون F برمی‌آید، مقدار آزمون به دست آمده (۶۵/۶۲۱) با درجات آزادی یعنی ۶ و ۳۷۷ از جدول حتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد نیز بزرگ‌تر است، لذا می‌توان قضاوت نمود که تفاوت بین آگاهی اجتماعی و میزان مشارکت معنی‌دار است. یعنی هر چه آگاهی اجتماعی شهروندان افزوده گردد تمایل آن‌ها به مشارکت برای اداره امور شهر بیشتر می‌شود (جدول ۱۲).

**فرضیه دوم: با بالا رفتن میزان آگاهی اجتماعی شهروندان، بر میزان مشارکت آنها افزوده می‌شود:** شاخص‌هایی که برای سنجش آگاهی اجتماعی شهروندان در این پژوهش طراحی شده بود عبارت است از: تعداد دفعات مراجعه به شهرداری، میزان نگاه کردن به تلویزیون و استفاده از اینترنت، روزنامه خواندن و میزان آشنایی با حقوق. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است، نتایج آزمون نشان می‌دهد که بین آگاهی

جدول ۱۲: تحلیل واریانس یک‌طرفه رابطه آگاهی اجتماعی و میزان مشارکت شهروندان

سطح معنی‌داری	آزمون مقدار F	متوسط مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	رابطه‌ی بین آگاهی اجتماعی و رضایتمندی
۰/۰۰۱	۶۵/۶۲۱	۴۴/۱۸۷	۶	۲۶۵/۱۲۴	بین گروهی	
		۰/۶۷۳	۳۷۷	۲۵۳/۸۶۲	میان گروهی	
		-	۳۸۳	۵۱۸/۹۸۶	جمع	

منبع: یافته‌های پژوهش

آن‌ها در مدیریت امور شهری افزوده خواهد شد» تأیید می‌شود. فرضیه چهارم: بین اعتماد اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آن‌ها در مدیریت شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد: برای این آزمون، از ضریب همبستگی کندال استفاده شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که چون سطح معنی‌داری محاسبه شده (sig0.000) کمتر از آلفای تحقیق ( $\alpha=0.05$ ) است؛ بنابراین از لحاظ آماری همبستگی بین دو متغیر مذکور معنی‌دار است. شدت همبستگی بین دو متغیر

**فرضیه سوم: هر چه میزان رضایت اجتماعی شهروندان از خدمات شهری بیشتر باشد، بر مشارکت آن‌ها در مدیریت امور شهری افزوده می‌شود:** ضریب همبستگی (رگرسیون) متغیر رضایت اجتماعی و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهر اهواز ۰/۸۳ است که با ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار است (sig0.000). با این وصف، فرضیه مبنی بر این که «هر چه میزان رضایت اجتماعی شهروندان (رضایت از زندگی، رضایت از همسایگان و رضایت از سازمان‌های شهری) بالاتر باشد، بر میزان مشارکت

پیوند متقابلی در بین آنان ایجاد می‌شود، این پیوند متقابل به‌نوبه خود میزان تمایل شهروندان را به مشارکت در مدیریت شهری شهر اهواز افزایش می‌دهد (جدول ۱۳).

فوق ۰/۱۲۷ بوده که به سطح معنی‌داری کامل نزدیک است. نوع همبستگی بین دو متغیر «اعتماد اجتماعی» و «میزان مشارکت در مدیریت شهری» از نوع خطی است، یعنی با افزایش اعتماد اجتماعی شهروندان

جدول ۱۳: آزمون ضریب همبستگی کندال بین اعتماد اجتماعی و مشارکت شهروندان

اعتماد اجتماعی	مشارکت		
۰/۱۲۷	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	مشارکت
۰/۰۰۳	-	سطح معنی‌داری	
۳۸۴	۳۸۴	فراوانی	
۱/۰۰۰	۰/۱۲۷	ضریب همبستگی	اعتماد اجتماعی
-	۰/۰۰۳	سطح معنی‌داری	
۳۸۴	۳۸۴	فراوانی	

منبع: یافته‌های پژوهش

باید بیش ۱/۹۶ باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو مهم شمرده نمی‌شود، همچنین مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۰۵ برای مقدار P حاکی از تفاوت معنی‌دار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد دارد. نتیجه این مدل نشان می‌دهد، بین متغیر مشارکت و سایر شاخص‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰) معنی‌داری هر دو گزینه در سطح ۹۵٪ است؛ بنابراین نتایج پژوهش رابطه معنی‌دار را تأیید می‌کند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، حاکی از آن است که تمامی شاخص‌ها نسبت به مشارکت رابطه معنی‌داری دارند ولی در جنسیت این رابطه معنی‌دار نیست و فرضیه تحقیق را رد می‌کند.

**سنجش مشارکت شهروندان در اداره امور شهری بر اساس مدل تحلیل مسیر:** این روش به‌عنوان تکنیکی برای توضیح و توصیف یک سیستم ارتباطی بین متغیرها است؛ به‌این ترتیب که در تحلیل مسیر ضریب همبستگی هر متغیر مستقل با متغیر وابسته بر اثر مستقیم آن متغیر مستقل روی متغیر وابسته و اثرات غیرمستقیم مزبور از طریق متغیرهای مستقل دیگر روی متغیر وابسته تقسیم می‌شود (کوهی و تقوی، ۱۳۸۲: ۱۰۵)؛ بنابراین در این مدل پس از بررسی و تأیید الگو برای آزمون معنی‌داری فرضیه‌ها، از دو شاخص جزئی بحرانی CR و P استفاده شده است. بر اساس سطح معنی‌داری ۰/۰۰۵ مقدار بحرانی

جدول ۱۴: ضرایب مسیر تأثیرگذاری شاخص‌ها بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهری

نتیجه	P	نسبت بحرانی	برآورد	متغیر	مسیر	شاخص‌ها
تأیید	***	۸/۱۳۲	۰/۱۸۸	مشارکت	<---	آگاهی اجتماعی
تأیید	***	۹/۱۸۷	۰/۱۶۶	مشارکت	<---	رضایت اجتماعی
تأیید	۰/۲۹۶	۱/۰۴۴	۰/۰۲۵	مشارکت	<---	اعتماد اجتماعی
رد	***	۰۶/۱۲۵	-۰/۱۱۶	مشارکت	<---	جنسیت
تأیید	***	۶/۹۷۸	۰/۱۷۹	مشارکت	<---	وضعیت اقتصادی-اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش

دارد و از این رو وارد حوزه‌های مدیریتی و ساختار کلان کشوری نمی‌شود. در این راستا لازم است به نظریه کنش موجه، مشارکت شهروندان و... به تفصیل،

### نتیجه‌گیری

بیشتر نظریه‌های مورد استفاده در زمینه مشارکت، روی کنش افراد و مشارکت آنان در امور شهری تأکید

لحاظ شاخص‌های اعتماد اجتماعی مناطق ۳ و ۶ با میانگین ۱۳/۱۵ و ۱۳/۰۲ به ترتیب در بالاترین سطح قرار گرفتند. علاوه بر این از دید شهروندان مناطق ۳ و ۸ از لحاظ شاخص‌های رضایت اجتماعی با میانگین ۱۲/۶۹ و ۱۲/۶۶ بیشترین رضایت را اظهار کرده‌اند، از لحاظ شاخص‌های آگاهی اجتماعی منطقه ۶ با میانگین (۱۴/۰۲) و منطقه ۳ با میانگین (۱۴) بیشترین و مناطق ۷، ۱ و ۳ به ترتیب کمترین آگاهی اجتماعی را داشته‌اند؛ همچنین فرضیه‌های پژوهش نشان داده که بین شاخص‌های اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، رضایت اجتماعی، سن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت رابطه معنی‌داری وجود دارد در صورتی که بین مؤلفه جنسیت و میزان مشارکت چنین رابطه‌ای مشاهده نمی‌شود.

توجه شود. نظریه کنش موجه مشارکت، کنشی اجتماعی است و به عنوان نوعی رفتار انسانی از رفتارهای بازتابی متمایز می‌شود، چراکه افراد مشارکت‌کننده برای رفتار خود معنای ذهنی مشخصی قائل‌اند و هرگاه چنین شود کنش پدید می‌آید. مطابق با این گفته، الگوهای مشارکتی که در اداره امور شهری ایران، سابقه غنی و طولانی دارد، در هیچ دوره تاریخی در جهت دستیابی به اهداف موردنظر موفق نبوده‌اند. لزوم شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت و عدم مشارکت در اداره امور شهرها می‌تواند برنامه‌ریزان را در نیل به اهداف پیش‌بینی‌شده یاری نمایند. در همین راستا، نتایج حاصل از پرسش‌نامه توسط شهروندان اهوازی نشان می‌دهد که بیشترین میزان مشارکت شهروندان اهوازی به ترتیب در مناطق ۳، ۶، ۸، ۵، ۴، ۷، ۲ و ۱ و با میانگین ۱۵/۷۲، ۱۵/۵۱، ۱۲/۹۶، ۱۲/۷۸، ۱۲/۳۵، ۱۰/۴۳ و ۹/۷۱ در کلیه مؤلفه‌ها بوده است. از

## منابع

۱. احمدی، اصغر، محمود تولی. ۱۳۸۵. بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره بهینه امور شهری، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)، سال اول، شماره ۲، صص ۷۳-۹۰.
۲. پوراحمد، احمد. صابر محمدپور و محمدحسین بوچانی. ۱۳۸۹. بررسی مفهوم مشارکت شهروندان در امور شهر الکترونیک، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۱۷-۱۰۶.
۳. تقوایی، مسعود. رسول بابانصب و چمران موسوی. ۱۳۸۹. تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، صص ۱۹-۳۶.
۴. جوکار، سجاد. ۱۳۹۰. بررسی الگوهای مراکز خرید و مجتمع‌های تجاری در شهر اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۵. حکمت نیا، حسن، میرنجف موسوی. ۱۳۸۵. تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای
- ایران، نشریه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۱، شماره ۱ (پیاپی ۸۰)، صص ۱۳۶-۱۲۱.
۶. حیدری، زهرا، محمدرضا رضوانی و سیدعلی بدری. ۱۳۹۵. تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماع محلی در برنامه‌ریزی توسعه گردشگری کشاورزی (مطالعه موردی: نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان تنکابن)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۲۶-۱۳.
۷. رام‌نژاد، اله‌مراد. ۱۳۹۳. بررسی نقش عوامل مؤثر بر مدیریت مشارکتی شهر اهواز (نمونه موردی: منطقه چهار شهری اهواز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه علوم زمین و GIS، دانشگاه شهید چمران اهواز، استاد راهنما: سعید امانپور.
۸. سیف، حمیدرضا. ۱۳۷۹. جامعه مدنی و راه‌های رسیدن به آن، سال اول، تهران، نشر جوانان موفق.
۹. شریف زاده، فتاح، جواد صدقی. ۱۳۸۷. عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، مطالعات مدیریت، دوره ۱۶، شماره ۵۹، صص ۷۱-۵۳.
۱۰. شریفیان ثانی، مریم. ۱۳۸۸. مشارکت و همگرایی شهری، فصلنامه مدیریت شهری، سال ۴، شماره ۲۸.

- اطلاع‌رسانی آموزشی و پژوهشی، پاییز و زمستان، سال ۲، شماره ۷ و ۸، صص ۸۳-۸۹.
۲۱. موسایی، میثم، ملیحه شیانی. ۱۳۸۹. مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۲۴۵-۲۶۸.
۲۲. میرموسوی، سیدعلی. ۱۳۷۵. مبانی دینی و فرهنگ سیاسی و مشارکتی، نقد و نظر، شماره سوم و چهارم، قم.
23. Baum, H. 2001. Citizen Participation, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, PP. 1840-1846, (<http://www.sciencedirect.com/science>).
24. Brown, R., and Glenn, H. 2005. Co management of Wildlife Corridors: the Case for
25. Citizen Participation in the Algonquin to Adirondack Proposal, Journal of Environmental Management. 74(2): 97-106.
26. Davis, F.D., Bagozzi, R.P., and Warshaw, P.R. 1989. User acceptance of computer technology: a comparison of two theoretical models.
27. Karami, E., and Shiva, M. 2006. Decision-Directed Recursive Least Squares MIMO Channels Tracking, EURASIP Journal on Wireless Communications and Networking, 2006
28. Edwards, J.N., and Booth, A., 1973. Social Participation in Urban Society, Schekman Publishing Company, Cambridge, Massachusetts.
29. LO Niemeyer. 1991. Social labeling, stereotyping, and observer bias in workers' compensation. Journal of Occupational Rehabilitation.
30. Marshal, M. 2004. Citizen Participation and the neighborhood Context: A New at the Corporoduction of Local Public Goods, Political Research Quarterly, 57(2): 231-244.
31. Lee, C.E., Gim, G., and Yoo, B. 2009. The Effect of Rrelationship Quality on Citizen Satisfaction with Electronic Government Services. The Marketing Management Journal. 19(2).
32. Van Ryzin, G. 2006. Pieces of a puzzle: Linking government performance, citizen satisfaction, and trust, USA.
۱۱. شفیع، شفیع. ۱۳۹۵. بررسی جامعه شناسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل، پایان نامه ارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد رودهن.
۱۲. شیعه، اسماعیل. ۱۳۸۲. لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۱۰.
۱۳. صالحی فرد، محمد، سیددانا علیزاده. ۱۳۹۰. بررسی اثرات مشارکت‌های شهروندی در بهبود خدمات شهری با تأکید بر بازارهای روز (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد)، فصلنامه علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۳۴، صص ۱-۲۶.
۱۴. عباس‌زاده، محمد. ۱۳۸۷. بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، استادان راهنما: دکتر رسول ربانی و دکتر وحید قاسمی، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.
۱۵. عبدالله پور، جمال، حسن مختارپور و رجبعلی مختارپور. ۱۳۹۱. مشارکت پذیری شهروندان تهرانی در حوزه وظایف شهرداری (مطالعه موردی: شهروندان منطقه ۴ شهرداری تهران)، نشریه مدیریت شهری، دوره ۱۱، شماره ۳۱، ۱۵۷-۱۶۳؛
۱۶. علیزاده‌اقدام، محمدباقر. محمد عباس زاده و کمال کوهی و داود مختاری. ۱۳۹۲. نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۲۱۴-۱۹۵.
۱۷. غفاری، غلامرضا، ابراهیم جمشیدزاده. ۱۳۹۰. مشارکت‌های مردمی و امور شهری (بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعه مشارکت‌های مردمی)، تهران: جامعه و فرهنگ.
۱۸. غلامی، یونس، مهدی ثقفی و مریم حیدری. ۱۳۹۷. تأثیر عوامل اجتماعی اقتصادی در مشارکت شهروندان با تأکید بر مدیریت پسماند خانگی (نمونه موردی: شهر گرگان)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ۸، شماره ۳۰، صص ۱۵۸-۱۴۹.
۱۹. کوهی، کمال، نعمت‌الله تقوی. ۱۳۸۲. سنجش میزان مشارکت روستاییان در پروژه‌های توسعه روستایی، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، شماره ۴.
۲۰. محسنی، رضاعلی. ۱۳۸۳. جنبه‌های اجتماعی مدیریت کلان‌شهرها با تأکید بر مشارکت شهروندان، فصلنامه